

Criminal Liability of the Corporations in the Iranian Law and International Documents

Ali Poorghasem Chavarkochan *

Ph.D Student, Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University of Qods City, Tehran, Iran

Tahmoores Bashiriyeh

Assistant Professor, Criminal Law and Criminology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

Criminal liability of the corporations as credit creatures has always been the subject of discussion, and due to the important role of corporations in the social life and their frequency in committing crimes, their criminal liability has undergone many changes at the national and international level over the last two decades. In parallel with it, our legislator accepted the corporations criminal liability in 2013 as a general rule. However, the rejection of criminal liability of the governmental corporations and the government has no preferred justification according to circumstance in national law or in the international documents due to non compliance with the accepted principles in the world such as the necessity of respect for the principle of justice. In this descriptive analytical study, we seek to investigate and analyze the basics of liability and possible flaws in the national law in comparison to the international documents by understanding the importance of the issue and criminal status and the effect of corporations, governmental and non-governmental law on economy, industry, and daily life of societies. Additionally, we aim to suggest some solutions for the above mentioned problems by understanding the public necessity of law with the society developments at the national and international level.

Keywords: Corporations, International Documents, Palermo Convention, Merida Convention, Criminal Liability.

* Corresponding Author: alipourghasem1348@gmail.com

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد

شهر قدس تهران، ایران

علی پورقاسم چورکوچان *

استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

تهمورث بشیریه

چکیده

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بعنوان موجودات اعتباری همواره مورد بحث بوده و به دلیل نقش مهمی که در زندگی اجتماعی ایفا می‌کنند و در ارتکاب جرایم نیز سهم چشمگیری دارند، در دو دهه اخیر در سطح ملی و بین‌المللی دستخوش تحولات بسیاری قرار گرفته است. قانونگذار ما نیز به موازات آن در سال ۱۳۹۲ مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پذیرفته است. با این وجود عدم پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی دولتی و دولت حسب مورد، چه در حقوق داخلی و چه در اسناد بین‌المللی توجیه منطقی و عقلانی ندارد، زیرا اصول پذیرفته شده در دنیا مانند اصل عدالت و انصاف حکم می‌کند که رفتار مجرمانه و زیانبار بدون پاسخ نماند. این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با درک اهمیت موضوع و وضع کیفری و تاثیراتی که اشخاص حقوقی دولتی و غیردولتی بر اقتصاد، صنعت و زندگی روزمره جوامع گذاشته است مبانی مسئولیت و ایرادات و اشکالات احتمالی قانون داخلی در مقایسه با اسناد بین‌المللی را تحلیل و بررسی کرده و با درک لزوم همگامی حقوق با تحولات جامعه در سطح داخلی و بین‌المللی به ارائه طریق مسائل مزبور می‌پردازد.

واژگان کلیدی: اشخاص حقوقی، اسناد بین‌المللی، کنوانسیون پالرمو، کنوانسیون مریدا، مسئولیت کیفری.

مقدمه

دولت‌ها چه به معنی اخص کلمه و چه به معنی اعم آن، حد اعلای شخص و شخصیت حقوقی هستند. آنها واضعان پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و نحوه دادرسی و اعمال ضمانت اجراها علیه این اشخاص هستند. در حقوق داخلی هرچند قبل از سال ۱۳۹۲ در مقررات پراکنده بصورت غیرمستقیم و مستقیم (در جرایم رایانه‌ای) مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی پذیرفته شده بود لیکن در این سال با تصویب دو قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری و اعلام موضع مشخص، رسماً مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پذیرفت. این در حالی است که در معتبرترین اسناد بین‌المللی در این خصوص یعنی کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی (پالمو) در سال ۲۰۰۰ و کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (مریدا) در سال ۲۰۰۳، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی از سوی کشورهای عضو پذیرفته شده بود. ایران در اکتبر سال ۲۰۰۶ به کنوانسیون مریدا پیوسته، لیکن در سپتامبر سال ۲۰۱۸ علی‌رغم تصویب مجلس شورای اسلامی به پیوستن ایران به کنوانسیون پالمو، مورد تایید شورای نگهبان قرار نگرفته و موضوع جهت حل اختلاف این دو مرجع در مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار دارد و تاکنون کشور ما به این کنوانسیون نیوسته است. از بررسی ماده ۱۰ کنوانسیون پالمو، ماده ۲۵ کنوانسیون مریدا، ماده ۲-۲۱ قانون جزای جدید فرانسه، ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ایران و سایر قوانین و مقررات داخلی و اسناد بین‌المللی به آسانی می‌توان دریافت که در هیچ یک از آنها مسئولیت کیفری دولت‌ها به معنی اخص کلمه پذیرفته نشده است و حتی اشخاص حقوقی زیر مجموعه دولت و خدمات عمومی نیز قابل محاکمه و مجازات نیستند. اسناد بین‌المللی نیز صرفاً جنبه اعلامی مبنی بر پذیرش کشورهای عضو در این حوزه را دارد و از آنجائیکه پذیرش مسئولیت، تدوین قوانین دادرسی و ماهوی را بر عهده دولت‌ها نهاده و مبین آن است که این اسناد نیز اعتقادی به مجازات دولت‌های مجرم ندارند و آن را نوعی خودزنی می‌دانند که این خود چالش بزرگی است. عنصر قانونی در اسناد بین‌المللی بر خلاف این عنصر در حقوق داخلی است زیرا صرفاً به معنی پذیرش مسئولیت کیفری شخص حقوقی بیان می‌شود نه ماده یا مواد تعیین کننده کیفر پذیرش و عضویت در این نوع نهادها و سازمان‌های بین‌المللی. هرچند از سوی نماینده کشورها و با حضور آنها صورت می‌پذیرد

و در پارلمان آن کشورها به تصویب نیز می‌رسد، اما باید پرسید که آیا این خواست قاطبه مردم کشورهای عضو است؟ به عبارت دیگر چنانچه این امر به فراندوم گذاشته شود اکثریت مردم به مسئولیت کیفری دولت رای خواهند داد؟ آیا بدون محاکمه و مجازات ماندن دولت‌ها پس از ارتکاب رفتار مجرمانه خواست مردم آن ملت‌ها است؟

یکی از ویژگی‌های مشترک بین اشخاص طبیعی و اشخاص حقوقی پاسخگویی است. پاسخگویی در مقابل رفتارهایی که به موجب قوانین و مقررات، آنان را ملزم به پاسخگویی می‌کند و این امر یکی از همان تکالیفی است که در تعریف شخص حقوقی آن را «مسئولیت شخص حقوقی» می‌نامند.^۱

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است. با این وصف علی‌رغم پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در بسیاری از اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی و برخی کشورها از جمله کشور انگلستان و ژاپن، از ضمانت اجرای قدرتمندی برخوردار نیست و با احتیاط بیشتری تعیین مسئولیت شده است. این تحولات گاهی همراه با ذکر عبارت شخص حقوقی و بدون تعیین کیفر (مانند دادگاه نورنبرگ) و گاهی بدون هرگونه ذکر نام شخص حقوقی، مسئولیت اشخاص حقوقی پذیرفته شد. در منشور دادگاه نظامی جنایتکاران جنگ جهانی دوم، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی ایجاد شده توسط شورای امنیت برای جنایت ارتكابی در یوگسلاوی و رواندا و در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی فقط به مسئولیت اشخاص طبیعی (حقیقی) اشاره شد و از ذکر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی خودداری بعمل آمد. در اسناد بین‌المللی دیگر و بطور مشخص و بدون هرگونه شک و شبهه‌ای در دسامبر سال ۲۰۰۰ در کنوانسیون ملل متحد علیه جنایات سازمان یافته فراملی موسوم به کنوانسیون پالرمو و در سال ۲۰۰۳ کنوانسیون ملل متحد پولی مبارزه با فساد موسوم به کنوانسیون مریدا، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی پذیرفته شده است.

در حقوق داخلی ایران بسیاری عقیده دارند که در حقوق موضوعه ایران تا سال ۱۳۹۲ مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به عنوان یک قاعده کلی پذیرفته نشده بود. حتی در مواردی هم که ارتکاب جرم توسط اشخاص حقوقی مطرح شده (مانند ماده ۵۶۸ ق.م.ا)

فقط به بیان مسئولیت کیفری مدیران و دستور دهندگان اکتفا شده است.^۱ نمونه دیگر آن را می‌توان در ماده ۱۸۴ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ مشاهده نمود. اما این موضوع به این معنا نیست که قانونگذار ما برای اشخاص حقوقی در هیچ یک از موارد قانونی مجازات تعیین نکرده باشد. از آن جمله و مقدم بر کنوانسیون‌های مزبور، می‌توان قانون اقدامات تأمینی و تربیتی در سال ۱۳۳۹، قانون مربوط به مواد خوردنی و آشامیدنی در سال ۱۳۳۴، منجزتر از همه آنها و پس از کنوانسیون‌های یاد شده قانون مبارزه با جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ نام برد. دو پرسش مهم این بحث آن است که چرا دولت‌ها چه در اسناد بین‌المللی و چه در حقوق داخلی، مبری از مسئولیت کیفری هستند؟ و اینکه آیا می‌توان بدون آنکه شخص حقیقی (طبیعی) محکومیت کیفری حاصل نماید شخص حقوقی را مسئول کیفری دانست؟ بنظر می‌رسد برای فهم بهتر این مطالب باید عناصر تشکیل دهنده مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مورد بررسی قرار گیرد.

۱. عنصر قانونی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

منظور از رکن قانونی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، مصوبه داخلی یا بین‌المللی است که در آن این مسئولیت پذیرفته شده است و غرض، عنصری که با آن تعیین کیفر صورت می‌گیرد نیست. این موضوع در حقوق داخلی با سند بین‌المللی متفاوت است.

۱-۱. عنصر قانونی مسوولیت اشخاص حقوقی در حقوق داخلی

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بعنوان یک قاعده کلی (نه بدون پیشینه) در سال ۱۳۹۲ و به موجب ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی به تصویب رسید و به همه مجادله‌های بین مخالفان و پاسخ موافقان این موضوع پایان داد. این ماده مقرر می‌دارد که: «در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت اشخاص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی جرم نیست.»

۱. صادق سلیمی، چکیده حقوق جزای عمومی، چاپ ششم (تهران: انتشارات جاودانه و جنگل، ۱۳۹۷) ص ۱۴۶.

از آنجاییکه این ماده و قانون مصوب ۱۳۹۲ است، لذا می‌توان بیان داشت که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی پس از پیوستن ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد موسوم به کنوانسیون مریدا که در اکتبر سال ۲۰۰۶ مصادف با ۲۱ آبان ماه سال ۱۳۸۶ صورت گرفت، بعنوان مصوبه داخلی قامت افراشته است. به همین ترتیب می‌توان گفت که تصویب این ماده قبل از تصویب مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۴ دی ماه سال ۱۳۹۷ مصادف با ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۸ به کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی موسوم به پارامو صورت پذیرفته است.^۱ هر چند شورای نگهبان آن را تایید ننموده و موضوع جهت حل اختلاف بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال گردید و این مرجع نیز تاکنون در این خصوص اتخاذ تصمیم ننموده است.

از بررسی ماده فوق و مواد دیگر قانون مجازات اسلامی، به نکات نهان و پیدایی پی می‌بریم که به اختصار بدان اشاره می‌شود.

- ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به تنجیز مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را در نظام حقوقی ایران اعلام می‌دارد.

- مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و اعمال مجازات امری استعاری است و این اشخاص مسئولیت خود را از نماینده قانونی یا عامل خود عاریه می‌گیرند. بدان معنا که رفتار مجرمانه عامل یا نماینده قانونی شخص حقوقی که در راستای منافع یا به حساب شخص حقوقی یا به نام او مرتکب می‌شود، موجب ورود (توجه) مسئولیت کیفری به شخص حقوقی خواهد بود.

- برای ورود مسئولیت کیفری به شخص حقوقی می‌بایست فرد یا افراد مرتکب در شخص حقوقی ذی‌سمت باشند. اعم از اینکه بطور مستقیم مانند مدیر عامل یا اداره کننده و دارنده حق امضا و عالیترین مقام اجرایی باشند یا بطور غیرمستقیم مانند نماینده قراردادی.

- از اجتماع تبصره ۲۰ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۴۳ این قانون می‌توان دریافت که دولت‌ها به معنی اخص کلمه و اشخاص حقوقی دولتی و خدمات عمومی با فرض

۱. در این روز لایحه الحاق ایران به کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با جرائم سازمان یافته (پارامو) با ۱۴۱ رأی موافق، ۴۶ رأی مخالف و ۹ رأی ممتنع تصویب گردید.

ارتکاب جرم از مسئولیت کیفری در موارد اعمال حاکمیت مبرا از تعقیب و مجازات هستند که در مبحث آتی بدان پرداخته می‌شود.

- فرد طبیعی نماینده یا عامل می‌بایست در راستای منافع یا به نام شخص حقوقی یا به حساب او مرتکب اعمال مجرمانه شده باشد. لذا چنانچه رفتار مرتکب جنبه شخصی و در راستای منافع خود یا به نام خود یا شخص دیگری اعم از حقیقی یا حقوقی غیرمرتبط با شخص حقوقی مورد نظر؛ مرتکب بزه‌ی شده باشد، شخص حقوقی مسئول نخواهد بود.

منظور از به نام شخص حقوقی یعنی اینکه «مدیر، نماینده و یا شخص حقوقی دیگر که سمت قانونی دارد، در جهت منفعت شخص حقوقی یا به حساب آن تلاش کرده باشد. این شخص (مطابق ماده ۵۱ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۱) کسی است که از طرف شخص حقوقی مسئولیت تصمیم‌گیری دارد»^۱.

لازم بذکر است که برای تحقق مسئولیت کیفری شخص حقوقی ضرورتی ندارد که مرتکب شخص حقیقی (طبیعی) هم به نام او و هم در راستای منافع شخص حقوقی مرتکب جرم گردد و وجود یک شرط نیز قابل تحقق است. به همین دلیل نگارندگان اعتقاد دارند که واژه «به حساب شخص حقوقی» واژه مناسبتری نسبت به دو واژه به نام یا در راستای منافع او در ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی نیست. بسان آنچه در ماده ۲-۱۲۱ قانون جزای جدید فرانسه آمده است. این ماده مقرر می‌دارد: «... اشخاص حقوقی... از نظر کیفری مسئول جرائمی هستند که عامل یا نماینده به حساب آنها مرتکب جرم می‌شود...».

منظور از نماینده قانونی الزاماً عالی‌ترین مقام اجرایی شخص حقوقی نیست. بلکه می‌تواند «نماینده قانونی شخص حقوقی که به موجب اساسنامه شخص حقوقی یا سایر اسناد قانونی تأسیس آن نمایندگی شخص مذکور را در برابر اشخاص ثالث عهده دارد مانند مدیر عامل...» باشد.^۲ لذا علاوه بر مدیر عامل، نماینده قراردادی، مانند وکیل نیز می‌تواند عهده‌دار نمایندگی شخص حقوقی باشد و یا هر یک از عوامل شخص حقوقی یا خارج از آن که عهده‌دار انجام مسئولیتی می‌شوند یا به آنان محول می‌شود. لذا واژه عامل نمی‌تواند خارج از مصادیق نماینده در این مقوله باشد.

۱. محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ پنجاه و یکم (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۸) ص ۱۹.

۲. علی خالقی، نکته‌ها در آیین دادرسی کیفری (تهران: نشر شهر دانش، ۱۳۹۵) ص ۵۵۸.

- مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع از مسئولیت کیفری اشخاص طبیعی (حقیقی) نیست. لذا فرض فردی که رفتار او موجب مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی گردیده، خود برائت حاصل نماید اما شخص حقوقی محاکمه و مجازات شود، بعید است.^۱

- مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بصورت مشروط پذیرفته شده است و آن تحقق و ارتکاب رفتار مجرمانه از سوی شخص حقیقی مسئول در شخص حقوقی است. این امر از بطن ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی و بخش یازدهم قانون آیین دادرسی جرائم اشخاص حقوقی که در نه ماده تصویب گردیده و خاصه تبصره ماده ۶۸۸ این قانون قابل استنباط و استخراج است. لذا مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی یک استثنا است و همانگونه که در صدر ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی آمده است اصل بر مسئولیت کیفری اشخاصی حقیقی (طبیعی) است.

- اشخاص حقوقی نیز بسان اشخاص طبیعی قادر به ارتکاب جرائم تام و ناقص اعم از شروع به جرم، جرم عقیم و جرم محال هستند.

- اشخاص حقوقی علاوه بر ارتکاب جرائم عمدی قادر به ارتکاب جرائم غیر عمدی نیز هستند. جرائمی مانند ایراد صدمات بدنی غیر عمدی ناشی از حوادث کار.

«اشخاص حقوقی می توانند عنوان مباشر جرم را داشته باشند و یا بعنوان معاون جرم به لحاظ تشویق یا شریک مسئولیت پیدا کنند».^۲

مطلب قابل ذکر اینکه از نظر نگارندگان، استعاری بودن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی از افراد طبیعی دارای مسئولیت (مسئول) امر مطلق نیست و بعبارت دیگر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بدون آنکه عامل یا نماینده قانونی مرتکب رفتار مجرمانه شده باشد قابل تصور است.^۳ در نظام کیفری حاکم بر برخی کشورها مانند کشور ژاپن هنوز «برای به کیفر رساندن یک شخص حقوقی آیین دادرسی کیفری مستقلی

۱. اردبیلی، همان.

2. Stefani Gaston, Levasseur Qcages & Bouloc Bernard, *Precis de droit penal* 20 ed. (Paris: Dalloz publication, 2008) p.280.

۳. برای دیدن نظر موافق بنگرید به کتاب: محسن شریفی، *مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران و انگلستان*، چاپ اول (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۴) ص ۱۱.

وجود دارد و بیشتر قوانین برای تعقیب شخص حقوقی، تعقیب شخص حقیقی را ضروری نمی‌دانند.^۱

بحث مسئولیت کیفری در اسناد بین‌المللی قدری متفاوت است لذا در همین راستا مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در اسناد بین‌المللی و مشخصاً دو کنوانسیون بین‌المللی پالمو و مریدا بررسی می‌شود.

۲-۱. عنصر قانونی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در اسناد بین‌المللی

چنانچه توافقنامه‌های چندجانبه دولت‌ها و یا آرای دادگاه‌های بین‌المللی، سند بین‌المللی تلقی شود؛ موارد متعددی از این توافقنامه‌ها و آرا را می‌توان نام برد. اما با توجه به اصل نسبی بودن آثار قراردادها، توافقنامه‌ها بجز در مواردی که مبنای عرفی بین‌المللی پیدا کنند، فقط برای همان کشورهای طرف توافق‌نامه‌ها الزام‌آور هستند.

اولین سندی که به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی اشاره داشته است آرای دادگاه نورنبرگ بوده که در پس توافق‌نامه چهارجانبه در شهر لندن انگلستان و بین کشورهای انگلیس، آمریکا، روسیه و فرانسه تأسیس شد. این مسئولیت به موجب مواد ۹ و ۱۰ منشور لندن به رسمیت شناخته شد.

از آنجا که رسیدگی در دادگاه نورنبرگ منجر به جنایتکار دانسته شدن سازمان‌های «گشتاپو»، «اس. اس.» و «اس. د.» و سران نازی گردید، قابل تقدیر است اما عملاً هیچگونه مجازاتی برای این سازمان‌ها در نظر گرفته نشد و مجازات تعیین شده که به اعدام و حبس ۱۹ نفر از ۲۳ نفر متهمان که همگی آنان اشخاص طبیعی (حقیقی) بودند انجامید نه کیفر اشخاص حقوقی یاد شده.^۲

در دادگاه‌های توکیو ۱۹۴۶، دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق ۱۹۹۳ و دادگاه بین‌المللی رواندا ۱۹۹۴ به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی اشاره‌ای نشده بود. این در حالی است که قبل از این سال‌ها نظام حقوقی کشور ایران به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی اشاره داشت. ماده واحده اصل ۲۱ قانون مشروطیت مصوب اول تیرماه سال ۱۳۲۸

۱. ان کیون، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در کشور ژاپن»، ترجمه اسماعیل عبداللہی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸، (۱۳۸۲)، ص ۱۹۷.

۲. حسین میرمحمدصادقی، حقوق جزای بین‌الملل، چاپ ششم (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۶) ص ۳۷.

(مقدم بر رأی دادگاه نورنبرگ ۱۹۴۵) است. لیکن سه دادگاه دیگر اشاره‌ای بدان نداشت.

در همین راستا می‌توان به ماده ۴ قانون امور پزشکی دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۲۹ خرداد ۱۳۳۴، ماده ۱۵ قانون اقدامات تامینی و تربیتی مصوب ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۹، ماده ۱۲ قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۲ اسفند ۱۳۶۷ و ماده ۱۰۹ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۳ تیرماه سال ۱۳۵۴ و غیره اشاره نمود که بجز مورد اول به تعیین کیفر برای اشخاص حقوقی پرداخته است.

دادگاه کیفری بین‌المللی^۱ (ICC) در سال ۱۹۹۸ در شهر رم ایتالیا با ۱۲۰ رأی موافق از ۱۶۰ کشور شرکت کننده در آن به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حدود صلاحیت رسیدگی به عناوین مجرمانه بین‌المللی مانند نسل‌کشی، جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و تجاوز رأی مثبت داد. اما در بند ۱ ماده ۲۵ اساسنامه دیوان بیان داشت: «دیوان مطابق این اساسنامه نسبت به جرایم اشخاص حقیقی صلاحیت خواهد داشت... که شرایط سنی این افراد نیز بیش از ۱۸ سال است». لذا اشخاص حقوقی مذکور در چهار جرم یاد شده از شمول صلاحیت دیوان خارج خواهند بود. این تبصره در حقیقت عدم پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حتی برای همان چهار جرم بین‌المللی را اعلام می‌دارد. بنابراین، در چهار جرم یاد شده با فرض به وقوع پیوستن توسط دولت‌ها، گروه‌ها، یا سازمان‌ها، صرفاً اشخاص طبیعی آمر و مأمور در آن محاکمه و مجازات خواهند شد و اشخاص حقوقی قابل محاکمه و مجازات نیستند. این در حالی است که برخی دول قبل از اساسنامه دیوان به موجب قوانین داخلی خود مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پذیرفته بودند. کشورهایمانند استرالیا در قانون سال ۱۹۹۵ در بخش ۲۵ تحت عنوان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، قانون جدید جزای فرانسه در ماده ۲-۱۲۱ در سال ۱۹۹۴، قانون جزای نیوزیلند در ماده ۵۱ مصوب ۱۹۷۶، قانون جزای چین در سال ۱۹۹۳ مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی در نظر گرفته شد که غالباً دارای ضمانت اجرایی جریمه نقدی یا تعطیلی محل بود.

با این حال برخی عقیده دارند که اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی می‌بایست دستخوش تحول قرار گیرد و به تأسی از کنوانسیون‌هایی مانند کنوانسیون مبارزه با جرایم

1. International Criminal Court.

سازمان یافته (پالرمو) و کنوانسیون مبارزه با فساد (مریدا) ضمن تنوع بخشیدن به ضمانت اجراها، و جاهت و اعتبار خود را ارتقا بخشید.^۱

بدیهی است آنچه در خصوص مسوولیت کیفری اشخاص حقوقی از بررسی قوانین داخلی با تمام نکات آشکار و نهان آن بیان شد (هر چند از اسناد بین‌المللی تاسی گرفته باشد) در محدوده سرزمینی کشور ما قابل اعمال و اجرا است اما بدون تردید کنوانسیون مبارزه با جنایات سازمان یافته فراملی (پالرمو) و کنوانسیون مبارزه با فساد (مریدا) جزء اسناد بین‌المللی جهانشمول هستند. لذا مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در این دو سند بین‌المللی بررسی می‌شود.

۱-۲-۱. کنوانسیون پالرمو^۲ و مسئولیت شخص حقوقی

اندیشه تدوین این کنوانسیون شش سال قبل از تصویب آن یعنی در سال ۱۹۹۴ در شهر ناپل ایتالیا مطرح و پس از تشکیل ۱۱ جلسه (اجرائی) در اکتبر سال ۲۰۰۰ در شهر پالرمو ایتالیا به تصویب رسید.^۳

از نوآوری‌های این کنوانسیون پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی است. در حقیقت اولین بار است که یک سند بین‌المللی مورد توافق و اجماع جامعه بین‌المللی بطور صریح، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را مورد پذیرش قرار می‌دهد.^۴ رکن قانونی پذیرش این مسئولیت ماده ۱۰ این کنوانسیون است که خود ماده تحت عنوان «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی» اعلام موجودیت نموده و در چهار بند مواردی را اعلام می‌دارد که عبارتند از:

الف- هر دولت متعاهدی طبق اصول حقوقی خودش، اقداماتی را که برای ایجاد مسئولیت برای اشخاص حقوقی به خاطر جنایات شدید ارتكابی توسط گروه‌های جنایی

1. Kyriakakis, J, *Corporate Criminal Liability and the ICC Statute the Comparative Law Challenge* (New York: Oxford University 2009) p. 359.

2. Palermo Convention.

۳. رضا پرویزی، «معاهده پالرمو علیه جرایم سازمان یافته»، نشریه امنیت، سال چهارم، شماره‌های ۱۷-۱۸، (۱۳۷۹)، ص ۴۵.

۴. محسن شریفی، همان، ص ۱۱۹.

سازمان یافته، همچنین بخاطر جنایات مقرر در مواد ۵، ۶، ۸، ۲۳ ضروری باشد، اتخاذ خواهد نمود.

ب- مسئولیت اشخاص حقوقی طبق اصول حقوقی هر کشوری می‌تواند کیفری، حقوقی یا اداری (انتظامی) باشد.

پ- چنین مسئولیتی به مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی مرتکب جرم، خللی وارد نخواهد کرد.

ت- هر دولت متعهدی بویژه تضمین خواهد کرد که اشخاص حقوقی که طبق این ماده مسئول تلقی می‌شوند تابع ضمانت‌های اجرایی مؤثر، متناسب و بازدارنده کیفری یا غیر کیفری بویژه ضمانت اجرای مالی قرار خواهند گرفت.

این بندها قیودی هستند که کشورهای عضو را ملزم به رعایت این قیود می‌کند. اما این ماده رسیدگی به جرایم ارتكابی از سوی اشخاص حقوقی را بر اساس اصول حقوقی و مقررات و قوانین حاکم بر کشور خود (قوانین داخلی) اعلام می‌دارد. در موارد دیگر نیز بنظر می‌رسد که کنوانسیون احتیاط لازم را برای عدم مخالفت اعضا و رعایت عدم مداخله در امور داخلی کشورها لحاظ نموده است.

یکی از موارد اعلامی در بند ۱، عبارت جنایات شدید ارتكابی توسط گروه‌های سازمان یافته است. جنایات شدید بر اساس و لحاظ مواد ۵، ۶، ۸ و ۲۳ کنوانسیون تعیین می‌گردد. با این حال می‌توان در حقوق داخلی ایران این امر را منضوج نمود. بنظر می‌رسد ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و تبصره آن برای روشن شدن این امر کافی باشد. این ماده مقرر می‌دارد: «هر کسی سردستگی یک گروه مجرمانه را بر عهده گیرد، به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند محکوم می‌گردد. مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. در محاربه و افساد فی الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سر دسته گروه مجرمانه صدق کند حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد.

تبصره ۱- گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌شود.

تبصره ۲- سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازماندهی با اداره گروه مجرمانه است.»

با این توصیف گروه‌های مجرمانه می‌تواند در قالب اجتماع افراد حقیقی (بدون اینکه شخص حقوقی دارای شخصیت حقوقی تلقی گردند) بوده و یا در قالب شخص حقوقی واجد شخصیت حقوقی باشند. لیکن بدیهی است که مصداق این ماده ناظر به مواردی است که جرایم ارتكابی از سوی اشخاص حقوقی قابل تصور باشد که در مباحث بعدی بدان پرداخته می‌شود.

بند ۱ ماده ۱۰ کنوانسیون پالرمو ناظر به جنایات شدید است. بدیهی است که مصادیق مورد نظر این بند و مواد ۵، ۶، ۸ و ۲۳ این کنوانسیون یا سایر مصادیق آن در حقوق داخلی کشورها از جمله کشور ما متفاوت است. بنظر می‌رسد کشورها گامی پا را فراتر از آنچه در نظر کنوانسیون بود نهاده و صرفنظر از نوع جرم و میزان مجازات آن، تمامی جرایمی که از سوی اشخاص حقوقی قابل تحقق است را شامل می‌شود. در نظام حقوقی حاکم بر ایران، به جرایم قابل ارتکاب از سوی اشخاص حقوقی اشاره نشده است. اما در برخی کشورها این جرایم مشخص شده است که می‌تواند مبنای شناسایی جرایم قابل ارتکاب از سوی اشخاص حقوقی باشد. از جمله این کشورها می‌توان به قانون جدید جزای فرانسه اشاره نمود. در این کشور که جرایم به امور جنایی، جنحه و خلاف تقسیم شده است؛ جرایم علیه اشخاص با ۳۲ عنوان مجرمانه، جرایم علیه اموال شامل ۱۹ عنوان مجرمانه، جنحه و جنایت علیه ملت، دولت و آسایش عمومی مذکور در کتاب چهارم قانون جزای جدید فرانسه و جرایم خلافی علیه اشخاص در کتاب سوم این قانون، جرایم خلافی علیه امنیت و آسایش عمومی مذکور در کتاب چهارم قانون یاد شده مصادیق و عناوین جرایم قابل تحقق از سوی اشخاص حقوقی ذکر شده است.^۱

در بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون پالرمو به تجویز تعیین مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی از سوی دولت‌های عضو برای اشخاص حقوقی که تحت لوای صلاحیت سرزمینی قرار

۱. محسن شریفی، همان، صص ۷۹-۸۱

دارند می پردازد و سه نوع مسئولیت کیفری، مدنی، و انتظامی (اداری) را بیان می کند؛ لیکن میزان و نوع ضمانت اجرای مسئولیت یاد شده را برعهده دولت و حکومت کشورهای عضو می نهد.

لذا کشورهای عضو با لحاظ نیازها و ضرورت های روز جامعه خود و یا حفظ مصالح اجتماعی حاکم بر سرزمین خود مبادرت به جرم انگاری و تصویب عنصر قانونی که تعیین کننده کیفری برای اشخاص حقوقی باشد ماده یا موادی را به تصویب می رسانند که در ایران به موجب ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای اشخاص حقوقی در هفت بند تعیین کیفر شده است. اما در بسیاری از کشورها اصولاً برای اشخاص حقوقی کیفر مالی از نوع جزای نقدی در نظر گرفته شده است از آن جمله می توان قانون جزای جدید فرانسه را نام برد.

بدیهی است چنانچه کنوانسیون پالرمو مبادرت به تعیین مصادیق عناوین مجرمانه و تعیین کیفری برای اشخاص حقوقی می نمود به مداخله در امور داخلی دولت و کشورهای عضو متهم می شد. به همین دلیل بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون، نوع مسئولیت را بر اساس اصول حقوقی هر کشور اعلام نموده است.

در بند ۳ ماده ۱۰ کنوانسیون پالرمو به عدم تداخل مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و حقیقی که رفتار وی موجب مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی شده است می پردازد. این موضوع در نظام حقوقی غالب کشورها نیز لحاظ شده است. از آن جمله می توان به قسمت اخیر ماده ۲-۱۲۴ قانون جزای جدید فرانسه با عبارت «...مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع از مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی که مباشر همان جرم هستند، نمی باشد». یا در قسمت اخیر ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ایران عبارت مشابه «... مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع از مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست» اشاره نمود.

همانگونه که بیان شد، نگارندگان اعتقاد دارند که وقوع بزه از سوی اشخاص حقوقی بدون آنکه مسئولیت اشخاص حقیقی که رفتار وی موجب مسئولیت کیفری شخص حقوقی شده باشد، قابل تصور است و فراز پایانی مواد ۱-۱۲۱ قانون جدید فرانسه و ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی و بند ۳ ماده ۱۰ کنوانسیون پالرمو به معنی الزام وجود شخص حقیقی مسئول کیفری در کنار شخص حقوقی مجرم نیست. از آن جمله می توان به

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی ناشی از فعل دیگری یا حوادث ناشی از کار اشاره نمود. همچنین گاهی مسئولیت کیفری مدیران و مؤسسين یا دارندگان حق امضا و غیره در مرحله قبل از ثبت یا اتمام عملیات تشکیل شخص حقوقی تحقق می‌یابد که نسبت به اشخاص ثالث نیز تسری پیدا می‌کند. اما مجازات مدیران، مستقل از اشخاص بررسی می‌شود.^۱

بنظر می‌رسد بند ۴ از ماده ۱۰ کنوانسیون یاد شده، دول متعاهد را متعهد می‌کند در تعیین کیفر و مجازات‌های خود به گونه‌ای عمل نمایند که همه ویژگی‌های مجازات و ضمانت اجرایی اشخاص حقیقی قابل اعمال برای شخص حقوقی را رعایت نمایند. ضمانت اجرای مؤثر، متناسب و بازدارنده بودن از مواردی است که برای اشخاص طبیعی بکار برده می‌شود، لیکن عبرت‌آموزی شخص حقوقی مرتکب جرم اصولاً مفهومی ندارد.

نکته قابل ذکر اینکه با توجه به عبارت پایانی بند ۴ ماده ۱۰ بنظر می‌رسد کنوانسیون یاد شده به تعیین ضمانت اجرای کیفری از نوع مالی مانند جریمه نقدی توجه ویژه‌ای داشته است. اما مجازات‌های مالی در جزای نقدی خلاصه نمی‌شود. ضبط و مصادره اموال نیز از مصادیق دیگر ضمانت اجراهای مالی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی است.

مطابق بند ۴ ماده ۱۰ کنوانسیون پالمو، دولت‌ها مخیر شدند که مطابق قوانین داخلی خود به تعقیب کیفری یا اداری یا مدنی اشخاص حقوقی مرتکب جنایات سازمان یافته فراملی بپردازند. این امر به معنی مخیر بودن به تعقیب نیست بلکه تعقیب، امری الزامی است بدان معنا که کشورهای عضو چنانچه با ارتکاب جرم از سوی اشخاص حقوقی مواجه شوند مکلف به تعقیب و رسیدگی به موضوع هستند. لیکن در صورت احراز و انتساب وقوع بزه از سوی این اشخاص، در تعیین نوع کیفر اداری (انتظامی)، جزایی (کیفری) و یا مدنی مختار خواهند بود.

این وصف کنوانسیون یاد شده از نظر برخی حقوقدانان یک خصوصیت و ویژگی تلقی می‌شود. خصوصیت دیگر کنوانسیون پالمو این است که جرایم را پیش‌بینی ولی

۱. علیرضا سعید، حقوق کیفری بازرگانی جرایم خاص مدیران شرکت در ایران، انگلستان و مصر (تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۶) ص ۲۳۸.

مجازات را تعیین نکرده و این امر را به عهده کشورهای عضو گذاشته است.^۱ علت این امر همانگونه که قبلاً بیان شده می‌تواند عدم تمایل اعضای کنوانسیون و دولت‌ها به دخالت در امور داخلی آنان باشد.

۲-۲-۱. کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (مریدا)^۲

دقیقاً سه سال بعد از تصویب کنوانسیون پالرمو در اکتبر سال ۲۰۰۰ که در شهر پالرمو کشور ایتالیا تصویب شده بود، کنوانسیون مبارزه با فساد موسوم به کنوانسیون مریدا در اکتبر ۲۰۰۳ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. این کنوانسیون در ماده ۲۶ خود به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی پرداخت و مقرر داشته است که:

«۱. هر کشور عضو طبق اصول حقوقی خود اقدامات مقتضی را اتخاذ خواهد کرد تا در رابطه با شرکت در جرایم مقرر شده بر اساس این کنوانسیون مسئولیت اشخاص حقوقی را مقرر نماید».

وقتی این بند از کنوانسیون مریدا را در مقابل بند ۱ ماده ۱۰ کنوانسیون پالرمو قرار می‌دهیم، بنظر می‌رسد هر دو بند بیان‌کننده جنبه اعلامی پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی از سوی دولت‌ها هستند؛ با این تفاوت که دیگر سخنی از جرایم شدید یا خفیف نیست و مواردی که موضوع مواد ۵، ۶، ۸ و ۲۳ کنوانسیون پالرمو بوده، در کنوانسیون مریدا مشاهده نمی‌شود.

مسئولیت کیفری در کنوانسیون مریدا دارای قید و شرط‌های کمتری است خاصه در بند یک آن. لذا این بند کلیه جرایمی را که از سوی اشخاص حقوقی قابل ارتکاب است شامل می‌شود و سازمان یافته بودن اشخاص حقوقی موضوعیت ندارد.

با این حال کنوانسیون مریدا بسان کنوانسیون پالرمو تعیین کیفر برای اشخاص حقوقی مجرم را به عهده کشورهای عضو نهاده و بیان می‌دارد: «با توجه به اصول حقوقی کشور عضو مسئولیت اشخاص حقوقی ممکن است کیفری، اداری یا مدنی باشد». این بند نیز بدون تفاوت با بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون پالرمو بیانگر همان سه ضمانت اجرا است و به

۱. بهمن حسین خانی، اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری با نگرش بر قوانین کیفری فرانسه و آمریکا (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۹) ص ۱۴۳.

2. Merida Convention.

نظر می‌رسد تلاش شده است که بین اراده بین‌المللی و حاکمیت دولت و اراده ملی پیوندی منطقی برقرار سازد.

«۳. این مسئولیت (مسئولیت اشخاص حقوقی) بدون خدشه وارد آوردن به مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی خواهد بود که جرایم را مرتکب شده‌اند».

این قید نیز علاوه بر انطباق با بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون پالرمو، منطبق با قسمت اخیر ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و منطبق با قسمت اخیر ماده ۲-۱۲۱ قانون جزای جدید فرانسه است. البته لازم به ذکر است که با توجه به تقدم کنوانسیون‌های یاد شده بر قانون مجازات اسلامی از حیث زمان تصویب، تأسی قانون اخیرالذکر از کنوانسیون‌ها و حتی قانون جزای جدید فرانسه منطقی‌تر است.

«بند ۴: هر کشور عضو به ویژه تضمین خواهد کرد که اشخاص حقوقی ای که طبق این ماده مسئول شناخته می‌شوند مشمول ضمانت اجرای کیفری و غیر کیفری مؤثر، متناسب و بازدارنده می‌شوند».

در مقایسه این بند با بند ۴ ماده ۱۰ کنوانسیون پالرمو باید بیان داشت که برخلاف قسمت آخر ماده ۱۰، از ضمانت اجرای مالی سخنی به میان نیامده است و کشورهای عضو با طیب خاطر بیشتری انواع مجازات‌های قابل اعمال بر اشخاص حقوقی را در مصوبات قانونگذاری خود خواهند گنجانید. ولی اینکه دول چه تضمیناتی باید بدهند یا عدم ارائه تضمین یا تخطی از آن چه ضمانت اجرایی دارد، منجز و مشخص نیست.

۲. رکن معنوی؛ مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

اساسی‌ترین مشکل و چالش پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، رکن معنوی ارتکاب جرم از سوی اشخاص حقوقی است. امری که به نظر می‌رسد هنوز برای برخی از کشورها حل نشده است؛ لذا در قانونگذاری خود این امر را لحاظ نموده و برای اشخاص حقوقی مسئولیت کیفری به معنی مجازات قائل نیستند و بجای استفاده از عبارت جرایم اشخاص حقوقی از واژه "تخلفات" استفاده می‌شود که می‌توان کشور آلمان را بعنوان نمونه ذکر کرد: «این امر دلالت بر آن دارد که قانونگذار کشور آلمان هنوز نتوانسته است

مشکل عنصر روانی را در ارتباط با اشخاص حقوقی حل کند.^۱ به همین دلیل از عبارت تخلف بجای «جرم» برای اشخاص حقوقی استفاده می‌کند.

گذر از همه نظریه‌های اعلامی از سوی حقوقدانان^۲ و رسیدن به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، این نتیجه را به ذهن متبادر می‌سازد که این مسئولیت با وجود عنصر معنوی پذیرفته شده است. خواه بصورت غیرواقعی و فرضی به معنی اصل بر وجود عنصر معنوی در اشخاص حقوقی و خواه انتقال عنصر معنوی مرتکب فرد طبیعی بر شخص حقوقی و چه در حقوق داخلی یا حقوق بین‌المللی مورد قبول آنان قرار گرفته است.

برخی اعتقاد دارند که عنصر معنوی اشخاص حقوقی را می‌توان از رفتار مرتکب طبیعی که رفتار او موجب مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی است استخراج نمود. لذا می‌توان «رکن معنوی جرم را در وجود همین خصوصیت به حساب شخص حقوقی یا در جهت منافع او است»^۳ یافت.

با فرض پذیرش این نظریه می‌توان بیان داشت که با توجه به وجود این دو عبارت به حساب شخص حقوقی مذکور در ماده ۱۲۱/۲ قانون جزای جدید فرانسه و وجود دو عبارت بنام شخص حقوقی یا در راستای منافع او مذکور در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ایران ضرورتی برای بررسی زوایای دیگر این ماده جهت احراز عنصر معنوی جرایم ارتكابی از سوی شخص حقوقی نیست.

اما از بررسی اسناد بین‌المللی، خواه اسنادی که صرفاً بیانگر اسامی کلی سازمان‌ها و جنایتکاران باشد، مانند دادگاه نورنبرگ^۴ و چه اسنادی که منجزاً به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی توجه داشته‌اند اعم از اولین سند بین‌المللی که مسئولیت کیفری اشخاص

۱. منصور رحمدل، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و آلمان»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال دهم، شماره اول، بهار و تابستان، (۱۳۹۸) ص ۷۶.

۲. نظریات متعددی وجود دارد که مبنای پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را رقم زده است. لیکن این نظریه‌ها به لحاظ اینکه به موضوع علم وارده اشخاص حقوقی یا حقیقی است، لذا ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با رکن معنوی جرایم ارتكابی از سوی اشخاص حقوقی دارد و نظریه‌هایی مانند مسئولیت نیابتی، برابری انگاری، نظریه تجمع، مسئولیت سازمان، فرضی بودن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، واقعی بودن این مسئولیت، اعتباری بودن آن است.

3. Desporbes Frederic, Le Qunehec & Francis, Droit, Pnal General (Paris: Economica Publication 2005) p.410

۴. صادق سلیمی، جنایات سازمان یافته فراملی، چاپ دوم (تهران: انتشارات جنگل و جاودانه، ۱۳۹۱) ص ۴۳.

حقوقی را به رسمیت شناخته است یعنی کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته (پالرمو) و دومین سند بین‌المللی که این مسئولیت را به رسمیت شناخته یعنی کنوانسیون مبارزه با فساد (مریدا) منجزاً به موضوع عنصر معنوی اشخاص حقوقی اشاره‌ای ندارند. گویی اینکه نزد کشورهای عضو این امر با تمامی ارکان، لازمه تحقق بزه حل شده و غیرقابل انکار است.

گاهی شخص حقیقی یا طبیعی که رفتار او موجب مسئولیت کیفری شخص حقوقی می‌شود، مسئول اجرای تصمیمات مجمع عمومی یا هیأت مدیره یا گروه و ... است. در این فرض، پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی از حیث احراز رکن معنوی کار مشکلی نیست. اما جاییکه عالی‌ترین مقام اجرایی شخص حقوقی یا نماینده شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع او بدون اطلاع مجمع یا مؤسسين یا هیأت مدیره و ... با استفاده از اختیارات خود مرتکب رفتاری می‌شود که برای اشخاص حقوقی مسئولیت کیفری به همراه دارد، احراز رکن معنوی جرم از سوی شخص حقوقی آسان نیست.

۳. رفتارهای مجرمانه شخص حقوقی

در دو کنوانسیون پالرمو و مریدا که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی رسماً پذیرفته شد و اشخاص حقوقی قابل مجازات تشخیص داده شده‌اند، به چگونگی امکان ارتکاب رفتار مجرمانه این اشخاص اشاره‌ای نشده است و بنظر می‌رسد این امر به مراجع رسیدگی کننده داخلی سپرده شده است.

در حقوق داخلی کشور ما از آنجا که جرایم قابل تحقق از سوی اشخاص حقوقی به تفکیک مشخص نشده است، لذا بررسی رفتار مجرمانه حسب مورد به قابل تحقق بودن یا نبودن جرایم از سوی اشخاص حقوقی بستگی دارد. در حالیکه همانگونه که سابقاً بیان شده در کشور فرانسه جرایم قابل تحقق از سوی اشخاص حقوقی به تفکیک جرایم جنایات، جنحه و خلاف با ذکر عناوین آن مشخص شده است. اما در کشور ما از عبارت «نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود...» مذکور در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قسمت ابتدای تبصره ماده ۶۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که مقرر می‌دارد: «فردی که رفتار وی موجب توجه اتهام به شخص حقوقی شده است...». بیانگر آن است که رفتار مجرمانه

شخص حقوقی در رفتار مجرمانه شخص حقیقی به نمایندگی اعم از قانونی یا قراردادی تبلور می‌یابد. لذا اعمال و رفتارهای مجرمانه فردی که رفتار او موجب توجه اتهام به شخص حقوقی گردیده (نماینده قانونی یا قراردادی) در حقیقت اراده و رفتار مجرمانه شخص حقوقی نیز تلقی می‌گردد. هر چند همانگونه که بیان شد این امر مطلق نیست.

ذکر این مطلب ضرورت دارد که اشخاص حقوقی در خصوص جرایم غیر عمدی نیز مسئولیت دارند. عبارت دیگر این اشخاص قادر به ارتکاب جرایم غیر عمدی نیز هستند. مصداق بارز آن عدم رعایت موازین ایمنی و حفاظتی ناشی از کار در حوادث ناشی از کار موضوع قانون کار است. با این وصف ماده ۱۸۴ قانون کار به موجب مواد مذکور در قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری هر دو مصوب ۱۳۹۲ منسوخ است و مسئول دانستن شخص حقیقی با وصفی که شخص حقوقی مسئول شناخته شود امری مردود است زیرا در زمان تصویب قانون کار (۱۳۶۹) مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی رسماً پذیرفته نشده بود. در کشور فرانسه نیز این ایده وجود داشته که «برای تحول اساسی در مسئولیت کیفری مدیر کارخانه یا مؤسسه من بعد ضرورت دارد که تعهدات ایمنی کار به کارفرما یعنی شخص حقوقی، محول شود»^۱.

در هر صورت رفتار مجرمانه شخص حقوقی نتیجه تصمیم یک شخصیت و هویت انسانی است. این اقدام ممکن است در اثر تصمیم یک جمع تصمیم گیرنده باشد که اراده مجرمانه آن جمع نسبت به شخص حقوقی اراده واحد تلقی می‌شود و یا یک تصمیم فردی باشد که نماینده قانون یا قراردادی شخص حقوقی است. اما در هر صورت می‌بایست به نام شخص حقوقی یا در راستای منافع او رفتار شده باشد.

با این حال مقنن کشور ما بجای عبارت «به حساب آنها» (شخص حقوقی) در ماده ۲-۱۲۱ قانون جدید جزای فرانسه، عبارت به نام یا در راستای منافع آن (اشخاص حقوقی) مرتکب جرم شدن را منطقی‌تر برگزیده است. زیرا «چنانچه اقدامات نماینده شخص حقوقی را بسان حق‌العمل کار در قانون تجارت بدانیم که از طرف آمر (شخص حقوقی) مبادرت به فعالیت تجاری می‌کند، پس این امر تابع قواعد عام قانون مدنی و خصوصاً عقد

۱. رضا فرج‌اللهی، همان، ص ۸۹.

و کالت خواهد بود.^۱ عبارت به حساب شخص حقوقی یعنی به نیابت و به وکالت از شخص حقوقی عمل کردن است.

۴. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی دولتی در حقوق داخلی

آنچه در بررسی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در این مقال از اهمیت فراوانی برخوردار است، مسئولیت یا عدم مسئولیت کیفری دولت‌ها است. اعم از دولت به معنی اخص کلمه یا عام آن، چه در نظام قضایی کشور ما و کشور فرانسه و چه اسناد بین‌المللی. پرسش اینجا است که چنانچه مرتکبان جرم خود دولت به معنی کابینه دولت متشکل از رئیس‌جمهور و وزرا و یا نخست‌وزیر و وزرا باشند از حیث حقوق داخلی کشورها یا مجامع و کنوانسیون‌های بین‌المللی آیا قابل تعقیب و محاکمه مجازات هستند؟ سازمان‌هایی که بطور مستقیم و تحت نظارت دولت فعالیت دارند و یا سرمایه آنها توسط دولت تأمین می‌شود اعم از نظامی، خدماتی، تولیدی؛ چه آنانکه اعمال حاکمیت می‌کنند یا اعمال تصدی، قابل محاکمه و مجازات هستند؟ در ذیل به بررسی موارد یاد شده و پاسخ به این پرسش‌ها می‌پردازیم.

با توجه به تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «مجازات موضوع این ماده (ماده ۲۰ ق.م.ا) در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند اعمال نمی‌شود». این تبصره مبین موارد پنهان و آشکاری است که براساس آن می‌توان به مسئولیت و عدم مسئولیت دولت پی برد که عبارتند از:

* با توجه به اینکه اشخاص حقوقی دولتی که اعمال حاکمیت می‌کنند مطابق ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قابل محاکمه و مجازات نیستند و در قوانین دیگر نیز برای این اشخاص محاکمه و مجازات پیش‌بینی نشده است. لذا به طریق اولی دولت به معنی اخص کلمه با فرض ارتکاب جرم قابل محاکمه و مجازات نیست. چنانچه هیأت دولت تصمیم به اقداماتی بگیرد و اجرایی نماید و این رفتار مجرمانه باشد، رئیس‌جمهور (در کشورهایی که دارای رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر هستند) و اعضای کابینه دولت قابل محاکمه و مجازات نیستند و نمی‌توان حکم به پرداخت جزای نقدی در حق صندوق دولت یا انحلال و یا مصادره اموال او داد، اما عدم مسئولیت کیفری شخص حقوقی

۱. کوروش کاویانی، مقدمه حقوق تجارت، چاپ دوم (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۷) ص ۱۲۳.

دولت مطلق نیست بلکه ناظر به مواردی است که شخص حقوقی دولتی اعمال حاکمیت می‌کند؛ لذا مفهوم این موضوع آن است که در موارد اعمال تصدی، قابل محاکمه و مجازات هستند. در تشخیص اینکه چه اعمال حاکمیتی است و چه اعمال تصدی‌گری، می‌توان به ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۸ مهر ماه ۱۳۸۶ مراجعه نمود. این ماده مقرر می‌دارد: «امور حاکمیتی آن دسته از اموری هستند که تحقق آن موجب اقتدار حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه گردیده و بهره‌مندی از این نوع خدمات موجب محدودیت برای استفاده دیگران می‌شود». بدیهی است بجز آنچه در این ماده توصیف شده است اعمال تصدی‌گری است و چنانچه اشخاص حقوقی نوع فعالیت غیر از موضوع ماده فوق داشته باشند و در عین حال مجرمانه باشد قابل محاکمه و مجازات هستند.

* در این تبصره نه تنها اشخاص حقوقی که اعمال حاکمیت می‌کنند قابل محاکمه و مجازات نیستند بلکه بر اشخاص حقوقی عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند نیز همین ویژگی حاکم است. در مورد اینکه اشخاص حقوقی غیردولتی چه اشخاصی هستند ماده ۳ قانون مدیریت خدمات کشوری مقرر می‌دارد: «موسسه یا نهاد عمومی غیردولتی، واحد سازمانی مشخصی است که دارای استقلال حقوقی است و به تصویب مجلس شورای اسلامی ایجاد شده یا می‌شود و بیش از پنجاه درصد بودجه سالانه آن از محل منابع غیردولتی تأمین گردد و عهده‌دار وظایف و خدماتی است که جنبه عمومی دارد».

با توجه به مراتب گفته شده بنظر می‌رسد، گروه‌هایی هستند که می‌توان آنان را خارج از موارد تبصره یاد شده دانست. لیکن تعیین تکلیف در خصوص آنان در قانون صورت پذیرفته است. مانند گروه‌های نظامی و چنانچه هر یک از نیروهای زمینی، هوایی، دریایی، ارتش و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران در قالب شخص حقوقی مرتکب جرمی شوند، مطابق این تبصره قابل محاکمه و مجازات نیستند و این عدم محاکمه و مجازات به لحاظ فقدان عنصر قانونی است. شورای اسلامی شهر و شهرداری (نه شهردار) نیز طبق این تبصره قابل محاکمه و مجازات نیستند.

پیوستن به دیوان کیفری بین‌المللی و کنوانسیون‌های سازمان ملل برای مبارزه با فساد (مریدا) و مبارزه با جرایم سازمان یافته (پالمو) توسط گروه‌ها و سازمان‌های تبهکار، این

فضا را فراهم می‌نماید که کشورها بدون دخالت سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، خود مبادرت به محاکمه مجازات اشخاص حقوقی داخلی نمایند. لیکن در تصویب قوانین داخلی استثنائاتی مقرر می‌گردد که عملاً محاکمه و مجازات برخی اشخاص حقوقی مانند انحلال آنها اقدام به خودزنی تلقی، لذا از شمول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی خارج می‌شود. مصداق‌های موجود مبنی بر انحلال گروه گشتاپو و اس. اس در آلمان نیز به موجب قوانین داخل کشور آلمان نبوده، بلکه به موجب یک فرایند رسیدگی بین‌المللی صورت پذیرفته است.

با این وصف اشخاص حقوقی دولتی را می‌توان به اشخاص حقوقی دولتی به معنی اعم، یعنی اشخاص حقوقی که اعمال حاکمیتی و اعمال تصدی‌گری دارند و اشخاص حقوق عمومی دولتی به معنی اخص کلمه خود دولت به معنی کابینه دولت تقسیم نمود. مطابق تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی، اشخاص حقوقی دولتی که اعمال تصدی می‌کنند قابل محاکمه و مجازات هستند. به موجب ماده ۲۰ با رعایت ماده ۱۹ این قانون، می‌توان آنان را تعقیب و در صورت وجود دلایل علیه آنها و با رعایت مقررات شکلی تعیین شده در مواد ۶۸۸ الی ۶۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ محاکمه و مجازات نمود.

مسئول شناختن اشخاص حقوقی دولتی و مؤسسات خدمات عمومی حداقل به سه دلیل کمتر مورد استقبال حکومت‌ها قرار می‌گیرد.

* انحلال و تعیین مجازات پس از تعقیب اشخاص حقوقی دولتی یا مؤسسه عمومی خاصه برخی از مجازات‌ها مانند انحلال و بسته شدن و ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی با وظایف دولت و اعمال قدرت و حاکمیت آن مغایرت دارد.

* قوه قضائیه و دادگستری خود یک نهاد دولتی به معنی اعم کلمه است و حتی در برخی کشورها خود قوه قضائیه (دادگستری) جزء قوه مجریه هستند. لذا اعمال مجازات و تنبیه مجرم توسط خود، امری منطقی بشمار نمی‌رود و مورد پذیرش دولت‌ها نیست.

* اعمال برخی از مجازات‌ها در حقیقت به خود مردم برمی‌گردد. عدم ارائه خدمات، تعطیلی یا بسته شدن شرکت‌ها و مؤسسات دولتی، ممنوعیت از انجام خدمات عمومی، انحلال، حتی اعمال مجازات‌های مالی که موجب کاهش توان حیاتی اشخاص حقوقی گردد، موجب مجازات و ضرری بر قربانی یا قربانیان جرم که غالباً مردمان آن سرزمین یا

منطقه است می‌شود. کاهش یا عدم امکان ارائه خدمات، بیکاری و غیره از آن جمله است.

بنظر نگارندگان، تصویب ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با احتیاط فراوان و با اعلام اصل بر عدم ممنوعیت از جلوگیری از تمام یا بخشی از فعالیت شغلی و امور خدماتی یا تولید و با لحاظ امر فوق به تصویب رسیده است. حال چنانچه این ماده را ناظر به اشخاص حقوقی دولتی که اعمال تصدی می‌نمایند یا اشخاص حقوقی خصوصی بدانیم، در خصوص اشخاص حقوقی دولتی یا مؤسسات غیردولتی که اعمال حاکمیت می‌کنند به طریق اولی لازم می‌آید.

اما آیا اشخاص حقوق دولتی یا مؤسسات عمومی غیردولتی که اعمال حاکمیت می‌کنند تحت لوای این تبصره هرگونه اقدام علیه اشخاص اعم از حقوقی و حقیقی می‌توانند انجام دهند و با اعمال هرگونه ظلم، جور و ستمی مبری از هرگونه محاکمه و مجازات هستند؟

چنانچه پاسخ به این پرسش مثبت باشد مشروعیت حکومت محل تردید خواهد بود. زیرا چه در نظام حکومتی اسلامی و چه در نظام‌های بین‌المللی و حکومت‌های دیگر؛ رفتار ظالمانه، نژادپرستی، تبعیض نژادی و غیره پذیرفته شده نیست و این امر بعنوان یک اصل کلی و پذیرفته شده در دنیا است. لذا بدیهی است که حمایت حکومت از رفتار مجرمانه و ظالمانه اشخاص حقوقی دولتی و مؤسسات غیردولتی که اعمال حاکمیت می‌کنند اعم از اینکه در قالب تجاوز، نسل‌کشی و غیره باشد یا ایراد صدمه بدنی به یک شخص حقیقی، می‌بایست به معنی اعمال این رفتار ضد بشری از سوی دولت تلقی شود. هر چند به سه دلیلی که بیان شد اصولاً چنین اشخاصی محاکمه و مجازات نمی‌شوند لیکن این اصول که هیچ ضرری بدون جبران باقی نماند، هیچ مجرمی بدون مجازات رها نشود، هیچ ظلمی بدون پاسخ نماند، رعایت اصل عدالت و انصاف و غیره اموری فراتر از دلایل برشمرده شده است.

لذا نگارندگان معتقدند قبل از آنکه مجامع و سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی وارد این حوزه شده و بشوند، دولت‌ها می‌بایست تدبیری برای آن بیندیشند تا اشخاص حقوقی دولتی که حاکمیت می‌کنند به سرنوشت گروه‌هایی مانند گشتاپو یا اس. اس. دچار

نشوند. چه بسا ممکن است در همین راستا بدواً موجبات سرنگونی حکومت حاکم را فراهم نموده و در ادامه موجب از بین رفتن گروه‌ها و اشخاص حقوقی یاد شده شوند. بدیهی است که این معضل می‌بایست در سطح حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد و مبنای مشروعیت حکومت‌ها باشد. حکومت‌ها و اشخاص حقوقی وابسته به آنها اعم از نظامی و غیرنظامی در صورت ارتکاب رفتار مجرمانه باید محاکمه و مجازات شوند زیرا هیچ امری مقدس‌تر و لازم‌تر از اجرای عدالت نیست. لذا عدم پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی که اعمال حاکمیت می‌کنند ناپسند بوده بلکه تنها می‌بایست متفاوت از اعمال تصدی آنان باشد. لذا پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی دولتی اعم از اخص یا اعم کلمه و چه در مقام اعمال حاکمیت و چه در مقام اعمال تصدی حد اعلی دموکراسی است. زیرا دول به دنیا اعلام می‌دارند که مشروعیت مطلق بر آنان حاکم است و بر اساس خواست و اراده مردم خود عمل می‌کنند نه حکومت استبدادی. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بدون وجود مسئولیت کیفری اشخاص طبیعی خاصه در جرایم غیرعمدی و مسئولیت ناشی از رفتار دیگری و حوادث ناشی از کار، قابل تصور است. لذا ماده ۱۸۴ قانون کار بموجب مواد مربوطه به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در دو قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری هر دو مصوب ۱۳۹۲ منسوخ شده است. باید بین اشخاص حقوقی و شخصیت حقوقی تفاوت قائل شد. شخصیت حقوقی یک موضوع متافیزیکی بوده و در حقیقت دارا شدن حق و تکلیف در جامعه است. اما «اشخاص حقوقی تشکلهایی هستند که تحت شرایط و ضوابط خاص قانونی از اجتماع اشخاص حقیقی یا حقوقی به منظور مقاصد مشروع اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، حرفه‌ای، شغلی و مانند آن بوجود می‌آیند و قابلیت دارا بودن حق و تکلیف را دارند»^۱. اراده این تشکل اراده اشخاص حقوقی تلقی می‌گردد.

۵. مسئولیت کیفری دولت به معنی اخص

دولت (کابینه)، به معنی اخص کلمه، حد اعلی یک شخص حقوقی در یک نظام حاکمیتی است و در غالب نظام‌های حکومتی دنیا اشخاص حقوقی دولتی مانند سازمان‌ها و نهادها، وزارتخانه‌ها و غیره ... تحت امر و زیر مجموعه همین دولت‌ها به معنی اعم کلمه

۱. رضا فرج الهی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۸) ص ۲۹.

هستند. اما در وادی مسئولیت کیفری در بخش اعمال تصدی و وجود سلسله مراتب قدرت، با فرض ارتکاب جرم از سوی قدرت های مادون، مسوولیتی متوجه قدرت های مافوق نیست و قدرت های مادون پاسخگوی رفتار مجرمانه و مسئولیت کیفری خود خواهند بود. این امر علاوه بر مسئولیت کیفری اشخاص طبیعی است، حتی در امور بین المللی نیز این موضوع حکومت داشته و نمونه آن را می توان به تصمیم دادگاه نورنبرگ اشاره نمود که بیان داشت «اعلام یک سازمان به عنوان جنایتکار مبین این نیست که همه افراد سازمان جنایتکارند، بلکه کسانی که رأساً در ارتکاب اعمال خلاف حقوق (قانون) شرکت داشته اند متهم هستند»^۱. لذا مسئولیت در چنین وضعیتی نیز تابع شرایط خاصی است.

برای اینکه بتوان شخصی را محاکمه و مجازات نمود، او باید اهلیت جنایی داشته باشد. بدان معنا که شرایط خاصی جمع باشند تا قابلیت و اهلیت ارتکاب جرم را پیدا کنند و حدوث این اهلیت در گروی تحقق شرایطی است تا از نظر قانون بتوان او را مجرم یا مرتکب جرم دانست.^۲

این وصف می تواند برای اشخاص حقوقی با شرایط متفاوت وجود داشته باشد که از آن جمله می توان وجود عنصر قانون خاصه در سطح بین المللی و به موجب مصوبات سازمان های بین المللی، کنوانسیون ها و اسناد بین المللی تحقق یابد. اما «یکی از عوامل اصلی عدم استقبال و پذیرش مسئولیت کیفری شخص حقوقی (حقوق عمومی) نگرانی از مسئول شناخته شدن خود دولت است»^۳. زیرا لزوم مسئول دانستن دولت ها به معنی اخص کلمه یا سازمان های نزدیک وابسته به آن مستلزم امری فراملی است. زیرا همانگونه که بیان شد دول، راضی به کیفر رساندن خود یا برکناری سران و غیره نیستند. در ثانی اصولاً و همانگونه که در کنوانسیون های پالمو و مریدا دیدیم مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

۱. محمدرضا ضیایی بیگدلی، حقوق جنگ حقوق بین المللی مخاصمات مسلحانه، چاپ چهارم (تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۵)، ص ۲۴۹.

۲. سید منصور میرسعیدی، مسئولیت کیفری قلمرو و ارکان، جلد اول، چاپ سوم (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶) ص ۴۹.

۳. صادق سلیمی، پدیده مجرمانه و مسئولیت کیفری در حقوق بین الملل و حقوق کیفری ایران (تهران: انتشارات قیام، ۱۳۷۶) ص ۲۲۰.

ناظر به جرایم شدید بوده لذا ارتکاب جرایم شدید از سوی دولت‌ها که مستلزم مسئولیت کیفری آنان باشد، همواره با عدم مشروعیت آن حکومت‌ها همراه خواهد بود.

خواست واقعی مردم دول عضو در نهادهای بین‌المللی، کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و غالباً به اراده سران حکومت توجه می‌شود و همین که کشوری دارای سه عنصر سرزمین، جمعیت و حکومت باشد در غالب موارد می‌تواند در مجامع بین‌المللی حضور داشته و عضو شود یا اینکه از آن خارج گردد. منظور از مشروعیت حکومت، پذیرش قاطبه مردم بر اشخاص طبیعی حکومت‌کننده و حکام آن حکومت و نظام و مرام حاکم اعم از نظام سیاسی، دینی، اقتصادی، فرهنگی و غیره است. لذا باید توجه داشت که کنوانسیون‌ها یا معاهدات و غیره که یک دولت بدان می‌پیوندد خواست مردم آن کشور نیز باشد. اینکه نماینده حاضر در مجامع و مجالس بین‌المللی از سوی یک دولت در حقیقت نماینده حکومت و حکومت‌نماینده یک ملت است، امر درستی است اما چه بسا این امر ظاهر و شکل صحیح آن باشد نه ماهیت آن؛ بدان معنا که مردم آن سرزمین خواهان چنین امری حتی خواهان حکومت حاکم بر خود نباشند. یقیناً در عین حال سران حکومت‌ها مسئولیت کیفری ناظر به دولت‌ها را نخواهند پذیرفت. تصور کنید جناح خاص یا گروه‌های خاصی که وابسته به دولت هستند سرمایه یک کشور را به یغما می‌برند و فعالیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره در اختیار اعضای گروه خاصی باشد که اتفاقاً در اقلیت قدرتمند هستند، بدیهی است که این حکومت مسئولیت کیفری دولت را در آن زمینه یا حتی بطور کلی نخواهد پذیرفت. ضمن اینکه بنا به دلایلی که گفته شد، اساساً تاکنون بطور رسمی مسئولیت کیفری دولت‌ها در مجامع داخلی و بین‌المللی پذیرفته نشده است و سند بین‌المللی رسمی در این مورد وجود ندارد. از بندهای ماده ۱۰ کنوانسیون پالرمو و ماده ۲۵ کنوانسیون مریدا چنین استنباط می‌شود که پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی همراه با دادرسی، محاکمه و مجازات از سوی دولت‌ها و به موجب حقوق داخلی صورت می‌پذیرد.

با این توصیف نیز نمونه‌ای وجود دارد که مجامع بین‌المللی علیه دولت و حکومت کشوری اقدام نموده و دولت مربوط را غیرمشروع اعلام داشته‌اند. این امر مربوط می‌شود به حمله تجاوزکارانه عراق به کشور کویت در ۱ مرداد ماه سال ۱۳۶۹ مصادف با ۶ اوت ۱۹۹۰ و اشغال بخشی از خاک کویت؛ اما در آن زمان سیزده کشور جهان به رهبری

ایالات متحده آمریکا با ناوهای هواپیمابر خود وارد خلیج فارس شدند و در ۹ اسفندماه سال ۱۳۷۰ مصادف با ۲۸ فوریه ۱۹۹۱ عراق شکست خورد و صدام حسین رهبر آنان به اعدام محکوم شد و در ۹ دی ماه سال ۱۳۸۵ مصادف با ۳۰ دسامبر ۲۰۰۶ به دار مجازات آویخته شد و حزب بعث عراق نیز غیر مشروع تلقی و متلاشی شد.

نتیجه گیری

عدم پذیرش مسئولیت کیفری دولت‌ها در سطح داخلی و بین‌المللی واجد ایرادات اساسی قابل توجهی است. نخست اینکه واگذاری تعیین مسئولیت کیفری و کیفر به دولت‌های عضو در کنوانسیون‌های مریدا و پالرمو مبین آن است که خود دولت به معنی اخص کلمه و اشخاص حقوقی تابع آن از مسئولیت کیفری مبرا هستند. این امر از بندهای چهارگانه ماده ۱۰ کنوانسیون پالرمو و ماده ۲۶ کنوانسیون مریدا قابل استخراج است.

بر این اساس، بسیاری از کشورهای عضو از جمله کشور ایران و فرانسه منجزاً عدم مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی دولتی و دولت را از قوه قانونگذاری خود گذرانند. در ماده ۲-۱۲۱ قانون جدید فرانسه با عبارت «به استثنای دولت» و در تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با استثنا کردن اشخاص حقوقی دولتی و مؤسسات خدمات عمومی غیردولتی که اعمال حاکمیت می‌کنند با وصف اعمال رفتارهای مذموم اعم از داخلی یا خارجی، به لحاظ فقدان عنصر قانونی چه در مقررات داخلی و چه در اسناد بین‌المللی قابل محاکمه و مجازات نیستند. لذا چنانچه قوای نظامی یک دولت مبادرت به سرکوب خواسته‌های مشروع مردم یک ایالت از یک کشور نماید و یا دولت به معنی اخص کلمه تصمیمی مبنی بر اینکه مردم بخشی از کشور خود را به لحاظ اعتراضات و انتقاد به دولت، مدتی در فقر و گرسنگی نگه دارد؛ نه از سوی مردم آن کشور و نه از سوی نهادهای داخلی و یا بین‌المللی بعنوان اشخاص حقوقی قابل محاکمه و مجازات نیست.

دوم اینکه هرچند شرکت کنندگان در کنوانسیون‌ها با پذیرندگان اسناد بین‌المللی و غیره به نوعی نماینده حکومت و حکومت نماینده ملت است. لیکن مشخص نیست که عدم پذیرش مسئولیت کیفری دولت به معنی اخص و اعم کلمه در واقع خواسته ملت و مردم آن سرزمین نیز می‌باشد.

پاسخ به این پرسش اهمیت فراوانی دارد. زیرا ممکن است به استبدادی بودن حکومت‌ها و یا عدم مشروعیت آنان ابراز عقیده شود. برخوردهای دوگانه سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی موجب شده است که کماکان در تردید به سر ببریم که آیا عملاً برای دولت‌ها به معنی اخص کلمه و سازمان‌ها و نهادهای داخلی به معنی اعم کلمه مسئولیت کیفری وجود دارد یا خیر؟ و از بین رفتن حزب بعث عراق و صدام حسین در پی تجاوز به کشور کویت، از سوی سیزده کشور دیگر را می‌توان اعمال مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی دولتی از سوی یک نهاد بین‌المللی دانست. اما در هر صورت مسلم است که در اسناد بین‌المللی خاصه در کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی (پالرمو) و کنوانسیون مبارزه با فساد موسوم به مریدا، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به معنی دولت از شمول این اسناد خارج است.

آخر اینکه در مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، مسئولیت این اشخاص بدون مسئول دانستن اشخاص حقوقی قابل تصور است و در جرایم غیر عمدی و مسئولیت ناشی از فعل غیر و حوادث ناشی از کار، ماده ۱۸۴ این قانون بموجب قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری هر دو مصوب ۱۳۹۲ منسوخ است.

در راستای تعدیل معضلات تعرفه شده مواردی به ذهن متبادر می‌شود که در قالب پیشنهاد اعلام می‌گردد.

اصولی مانند اصل عدالت و انصاف، اصل ظلم‌ستیزی، اصل اقتضای تعقیب، اصل اینکه هیچ مجرمی نباید بدون محاکمه و مجازات بماند و بسیاری از اصول دیگر حکم می‌کند که با رعایت حق حاکمیت و بدون آنکه دخالت در امور داخلی کشورها تلقی شود، برای دولت‌ها به معنی اخص کلمه و تابعین آن در جرایم فراملی از سوی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی مسئولیت کیفری تعیین شود زیرا منطق عقلانی ندارد که خود واضعان ضمانت اجرای کیفری برای اشخاص طبیعی باشند اما چنانچه خود بعنوان شخص حقوقی مرتکب جرم شوند، از مسئولیت کیفری مبراگردند. بدیهی است چنانچه بیم تکرار این رفتار از سوی شخص حقوقی دولتی یا دولت رود، منافع مردم آن جامعه و آن سرزمین حکم می‌کند که مسئولیت کیفری متوجه آنان باشد.

همچنین در حقوق داخلی با رعایت حقوق عامه اشخاص حقوقی دولتی و غیردولتی که اعمال حاکمیت می‌کنند می‌بایست قابل مجازات اعم ترذیلی یا مالی مانند کاهش

بودجه و غیره باشند و این استدلال که در اثر پذیرش مسئولیت کیفری دولت و اشخاص حقوقی دولتی موجب زیان خود ملت می‌شود، بنظر می‌رسد در درازمدت و تکرار، توجیه مرجح نداشته باشد.

در پایان اینکه امکان تعیین کیفر برای شخص حقوقی، بدون مسئول دانستن شخص حقیقی نیازمند مداخله مقنن است. امید آن می‌رود که به این مهم اهتمام ورزد.

منابع

کتاب‌ها

- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ویراست پنجم، چاپ پنجاه و یکم (تهران: نشریه میزان، ۱۳۹۸).
- حسین‌خانی، بهمن، اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری با نگرشی بر قوانین کیفری فرانسه و امریکا (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۹).
- خالقی، علی، نکته‌ها در آیین دادرسی کیفری (تهران: نشر شهر دانش، ۱۳۹۵).
- سعید، علیرضا، حقوق کیفری بازرگانی جرایم خاص مدیران شرکت در ایران، انگلستان و مصر (تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۶).
- سلیمی، صادق، چکیده حقوق جزای عمومی، چاپ نهم (تهران: انتشارات جاودانه و جنگل، ۱۳۹۷).
- سلیمی، صادق، جنایات سازمان یافته فراملی، چاپ دوم (تهران: انتشارات جنگل و جاودانه، ۱۳۹۱).
- سلیمی، صادق، پدیده مجرمانه و مسئولیت کیفری در حقوق بین‌الملل و حقوق کیفری ایران (تهران: انتشارات خیام، ۱۳۷۶).
- شریفی، محسن، اشخاص حقوقی مسئولیت کیفری در ایران و انگلستان (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۴).
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق جنگ حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه، چاپ چهارم (تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۵).
- فرج‌اللهی، رضا، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۴).

- کاویانی، کورش، مقدمه حقوق تجارت، چاپ دوم (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۷).
- میرسعیدی، سیدمنصور، مسئولیت کیفری (قلمرو و ارکان)، جلد اول، چاپ سوم (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶).
- میرمحمدصادقی، حسین، حقوق جزای بین‌الملل، چاپ ششم (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۶).

مقاله‌ها

- ان، کیون، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در کشور ژاپن»، ترجمه اسماعیل عبداللهی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸، (۱۳۸۲).
- پرویزی، رضا، «معاهده پالمو علیه جرایم سازمان یافته»، نشر امنیت، سال چهارم، شماره ۱۲، (۱۳۷۹).
- رحمدل، منصور، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و آلمان»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری دانشگاه گیلان، سال دهم، شماره اول، (۱۳۹۸).

References

Books

- Desportes, (Fredric), Legumehec, (Francis), *Droit penal general* (Paris: Economica publication, 2005).
- Stefani, (Goston), Levasor (Geages), Bouloc (Bernard) (Paris: De Droit Penal ed 20 Dalloz publication, 2008).
- Kyriakakis, (Joanna), *Corporate, Criminal Liability and the ICC statute the Comparative Law Challenge* (New York: Oxford University, 2009).